

نم نم رویا

یک شفقداغی به رنگ چشمهایت در نگاهم بیقراری می کند
زرد و سرخ شعله ی چشم سیاهت در تن من گلنگاری می کند
در حریر ابر زرینی بر روی شانه ی باغ سحرگاه بهار
قاب تصویر خیالت جلوه ی چشم مرا آینه کاری می کند
بعد تاریک تگرگی که ظریف گل اندام مرا می فرسود
سرنوشت زندگی میبارد و پاییز مرا عطر بهاری می کند
سایه ی قد زنی را که تمامیت رویای غزلها شده است
یک ستاره در تن داغ زمین مهربانی آبیاری می کند
مثل باران تموزی، عطر گیسوی بلند بید مجنون چمن
شیشه وقامت دیوار مرا ناز پرو بال قناری می کند
مریم باغ، لطف شهنامه، صمیمانه ی حافظ، نوربلخیی سحر
باز در خانه ی من زمزمه می بارد و مه نقره نگاری می کند

<http://nadiafasel.blogspot.com/>

19.01.2012